

فصلنامه رهیافتهای نوین در مطالعات اسلامی

License Number : 85625 Article Cod : SH15K345666 ISSN-P : 2676-6442

قواعد فقهی ناظر بر حفظ معادن

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۳/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۵/۱۲)

حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید حسن عابدیان کلخوران^۱

محمد رضا شهسواری

چکیده

محیط زیست موهبتی است خدایی که استفاده ی مفید از آن و حفاظت و سالم نگاه داشتن آن می تواند تأثیرات بسیار مثبتی در زندگی انسان داشته باشد. گسترش جوامع انسانی و توسعه ی شهرنشینی موجب پیدایش پدیده هایی چون تخریب و آلودگی محیط زیست شده است. تخریب یا اتلاف و یا آلوده سازی محیط زیست بنا به ادله ی فقهی زیادی همچون دلیل عقل، آیات قرآن، روایت ها، قواعد فقهی نظیر قاعده ی اتلاف، قاعده ی لاضرر و ... منفی بوده و انسان موظف به حفظ محیط زیست و تأمین سلامت آن است. راهکار عملی اسلام در حفاظت از محیط زیست را، می توان در بخش های مختلف احیای موات یافت که در آن اسلام آن چنان به احیاء و زنده کردن محیط زیست اهمیت داده که حتی برای احیاء کننده امتیاز مالکیت را به رسمیت شناخته است. در این پژوهش معلوم می شود مقوله ی معادن به خوبی مورد عنایت شریعت قرار دارد و احکام و الزامات صریحی در زمینه های نگهداری از آن مطرح است.

واژگان کلیدی: معادن، قواعد فقهی، محیط زیست، شریعت

^۱ نویسنده مسئول



بخش اول: تحلیل و بررسی اولیه موضوع

بی شک برای بقای بشر باید به حفاظت از محیط زیست و صنعت معادن اندیشید. اصطلاح معادن در هیچ یک از کنوانسیون ها، معاهدات و بیانیه های مهم بین المللی تعریف نشده، اما با نگاهی کلی می توان گفت معادن به همه شرایط و عوامل فیزیکی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زیباشناختی اطلاق می شود که اشیاء و اموال موجود در کره زمین در حیطه آن قرار دارد و بر مطلوبیت و ارزش آن اموال نیز کیفیت زندگی بشر اثر گذار است. اغلب فاجعه های زیست محیطی که هر از گاهی در گوشه و کنار این دنیای پهناور رخ می دهد، حاصل فعالیت هایی است که بشر به ویژه از صد سال قبل در راه رسیدن به توسعه و رفاه، در طی فرایند صنعتی شدن به آنها دست یازیده و همگی باعث تخریب و آلودگی معادن می شود. مدت هاست که علاج این گونه نابسامانی ها که سلامتی بشر را به خطر انداخته، فکر انسان را به خود مشغول داشته و نشست های بین المللی متعددی را شکل داده است. امروزه بسیاری از کشورها، به سوی توسعه پایدار گام برداشته اند. لازمه هر توسعه پایدار برآوردن نیازهای نسل فعلی است، بی آنکه به زیان رساندن به توانایی نسل های آینده برای برآوردن نیازها انجامد. از این رو برای ادامه توسعه فراگیر و پایدار ضروری است در سیاست های کلان و خرد اقتصادی و فرهنگی تعدیل هایی صورت پذیرد و در حوزه قانونگذاری، اصول قانونی استوار با ضمانت اجرایی تمام وضع و آموزش های مربوط به حفاظت از معادن فراگیر و عرفی شود، چنان که در بین عامه مردم رواج پیدا کرده باشد و آموزش که مقدمه فرهنگ سازی است، زمینه پیروی مستمر از قوانین معادن را برای عموم مردم فراهم کند. البته عامل اساسی و محکمی که درباره فرهنگ سازی بسیار تأثیر گذار است، بایدها و نبایدهای دین و دستورهای دینی و فقهی اسلام است که مهم ترین عامل ضمانت اجرایی مسلمانان است. از این رو به نظر می رسد می توان میان فقه و معادن تعاملی نقش آفرین ایجاد کرد و برای پیش برد فرهنگ سازی حفاظت معادن از ظرفیت های نهفته در قرآن کریم و سنت معصومان (ع) بهره برد. درباره شناخت ظرفیت هایی که می توان در فقه اسلامی برای حفاظت از معادن بدانها استناد کرد، به سه حوزه مختلف مسئولیت همگانی، حاکمیت، قواعد و اصول عام و خاص و آن گاه به تبیین رویکرد و اصول مدون در فقه و حقوق اسلامی باید پرداخت.



بخش دوم: مسئولیت همگانی در حفظ معادن

نظام اسلامی دیده بانی و مراقبت از یکدیگر را در جامعه با عنوان امر به معروف و نهی از منکر یاد می کند و بی تردید محافظت و مراقبت از معادن از شئون زندگی اجتماعی است و از این جهت مشمول این ادله می شود.

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (آل عمران: ۱۰۴)؛ باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگارانند.

خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ (اعراف: ۱۹۹)؛ با آنها مدارا کن و عذرشان را بپذیر و به نیکی ها دعوت نما و از جاهلان روی بگردان!

علامه طباطبایی (عرف) را چنین معنا می کند: واژه (عرف) به معنای سنت ها و سیره های زیبایی است که عقلای جامعه آن را می شناسند. در مقابل (عرف) (معروف) رفتارهای نادر و غیر مرسوم است که عقل اجتماعی آنها را بر نمی تابد که به آن در اصطلاح (منکر) گفته می شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۳۸۰). به طور کلی بر آنچه در نزد عقل و شرع نیکو و پسندیده شناخته شده، در اصطلاح قرآن (عرف) نامیده می شوند که انسان باید پیوسته در جامعه این روش پسندیده را در پیش گیرد و دیگران را به آن دعوت و سفارش کند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۴۱).

دستور قرآنی (وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ) (اعراف: ۱۹۹) و سایر آیات و احادیث در این زمینه تأکیدی است بر اینکه تنها انجام عمل نیک و صالح کافی نبوده، بلکه باید دیگران را به این روش دعوت کرد تا در جامعه عمل صالح گسترش پیدا کند، همگانی شود و در همه جا گسترش یابد.

اگر انسان به قدرت ایمان و علم مجهز نباشد و از طرف دیگر، نظارت سایر انسان های مسئول بر وی ضعیف و سست گردد به آسانی به سوی فساد منحرف می شود که این گونه فسادها می تواند عرصه معادن و بستر حیات انسانی را با بحران و معضلات عدیده ای مواجه سازد. از این رو دعوت مردم به رفتارهای هنجاری زیست محیطی در قالب (امر به معروف و نهی از منکر) ماهیتی زیست



محیطی دارد که در حقیقت ضامن اجرای وظایف فردی و اجتماعی در قبال معادن است و در حکم روح و جان آنها محسوب می شود. از نظر تعالیم الهی، ایستادگی در برابر فساد راز بقای دین و انسانیت تلقی شده است. قرآن کریم تباهی امت های گذشته را نتیجه عدم برخورد خردمندان با فسادانگیزی جامعه می داند: «فَلَوْ لَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ (هود: ۱۱۶)؛ پس چرا از نسل های پیش از شما خردمندانی نبودند که [مردم را] از فساد در زمین باز دارند؟ جز اندکی از کسانی که از میان آنان نجاتشان دادیم و کسانی که ستم کردند به دنبال ناز و نعمتی که در آن بودند رفتند و آنان بزهکار بودند». گفتنی است که مراد، فساد تکوینی و آن چیز نیست که در گردش زمان فاسد می شود؛ چون انسان در پاره ای از فسادها دست ندارند، بلکه مراد فسادهای تشریعی است، یعنی فسادی که به دست بشر پدید می آید. از جمله ملموس ترین فسادها در نعمت های خدادادی زمانی رخ می دهد که بشر برای برآوردن خواسته های خود در طبیعت تصرف می کند؛ تصرفی ویرانگر و بدون در نظر گرفتن قوانین حاکم بر طبیعت. البته مبارزه با فساد ابزارهای مناسب خود را می طلبد (حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۶۵۴). پس ضروری است که مسئله امر به معروف و نهی از منکر که مسئولیتی اجتماعی است و اسلام بر آن تأکید دارد، در رابطه با مسائل زیست محیطی نیز برای جلوگیری از فساد و انحراف و در پیشبرد ارزش های متعالی و سلامت اجتماعی امری جدی تلقی شود و از اهم واجبات و مصادیق امر به معروف و نهی از منکر دانسته شود. لذا در این باره باید موضوع شناسی کرد و فقیهان باید محدوده حریم هر کدام را تفقه کنند. اصل پنجاهم قانون اساسی صریح ترین حکم قانون گذار اساسی در این زمینه است: در جمهوری اسلامی، حفاظت معادن که نسل امروز و نسل های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می گردد. از این رو فعالیت های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی معادن یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است (هاشمی، ۱۳۷۴، ص ۱۴۱).

بخش سوم: مسئولیت حکومت اسلامی در حفاظت از معادن

بی تردید پرودگار متعال، طبیعت را به تسخیر انسان درآورد تا او از آن بهره بردارد و سود گیرد. آیاتی از قرآن کریم به صراحت بر این نکته تأکید دارند:



وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (اسراء: ۷۰)؛ ما آدمی زادگان را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا (بر مرکب های راهوار) حمل کردیم و از انواع روزی های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده ایم، برتری بخشیدیم.

از آنجا که زمین و آنچه در آن است، معادن انسان را تشکیل می دهد و جزء نعمت های عمومی است و آسیب به آن کل جامعه را به مخاطره می اندازد، حاکم باید با تمهید قوانین لازم و ضمانت اجرایی آن، به حفظ معادن مبادرت ورزد. همان طور که این روش در سیره حکومتی پیامبر اسلام (ص) و امام علی (ع) وجود دارد و به نظر می رسد این عهد بین خدا و حاکمان برای جلوگیری از فساد در زمین بوده است (همدانی، ۱۴۱۶ق، ص ۵۱).

سیره عملی و قولی پیامبر اسلام (ص) بر چگونگی تشویق امت به حفاظت از دنیای طبیعت و تحذیر از فساد در آن و گاه برخورد با عوامل آن دلالت می کند.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: لَا تَقْطَعُوا الثَّمَارَ فَيَصَبَّ اللَّهُ عَلَيْكُمُ الْعَذَابَ صَبًّا (موحدی لنگرانی، ۱۴۲۳ق، ص ۵۱)؛ درختان میوه را قطع نکنید؛ زیرا خداوند بر شما عذاب می فرستد.

به نظر می رسد منظور از این نهی، حکومتی بوده که تخلف از آن عذاب الهی را در پی می آورده است. بنابر روایتی از امام صادق (ع) (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۴)، سیره پیامبر (ص) (فاضل آبی، ۱۴۱۷ق، ص ۵۴)، و امیر مؤمنان (ع) (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ص ۵۴۶)، این بوده که علی (ع) با بیل زمین ها را می کند و پیامبر (ص) هسته خرما را با آب دهان تر می کرد و در آن حفره می گذاشت (سبحانی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۱۱).

حضرت علی (ع) نیز در نامه ای به مالک اشتر، فرماندار مصر می نویسد: وَلِيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَيْلُغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَاجِ لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ... (نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛ ای مالک اهتمام تو به آباد کردن زمین بیش از همت گماردن تو به جمع آوری درآمد باشد؛ چون درآمد بدون آبادانی حاصل نمی شود.



امیرمؤمنان مهم ترین وظیفه حاکم اسلامی را سازندگی دانسته نه فقط انباشتن خزانه کشور. از این رو حال که در نظام جمهوری اسلامی حاکمیت تحت نظر ولی فقیه قرار دارد، ضروری است برای ممانعت از (افساد فی الارض) تمهیداتی اندیشید (حلی، ۱۴۱۰ق، ص ۷۴). هدف اساسی دولت اسلامی در بخش معادن، تأمین پایداری و استفاده عادلانه و کارآمد از منابع طبیعی و انسانی است. بدین منظور دولت اسلامی، اقدامات متفاوتی را در چهار زمینه اصلی برنامه ریزی، قانون گذاری، نظارت و مالکیت عمومی منابع را به عهده می گیرد. براساس این چهار زمینه مهم ترین وظایف حکومت اسلامی درباره معادن عبارتند از:

۱. پی ریزی قوانین زیست محیطی بر پایه اصول و مقررات الهی؛
۲. اجرای قوانین مبارزه با مفسدان زمین و تخریب گران طبیعت برای تأمین مصالح عمومی؛
۳. توجه به مسائل معادن و اخلاق زیست محیطی در تعلیم و تربیت اسلامی و فرهنگ سازی زیست محیطی بر اساس تعالیم آسمانی؛
۴. بهره گیری از افراد شایسته در هرم اداری معادن که با قدرت تمام توانایی مقابله با مفسدان را داشته باشند؛
۵. بهره گیری از شیوه های جدید زیست محیطی سازگار با نظام اسلامی؛
۶. بهره گیری از سیاست های کلان اقتصادی و فرهنگی برای توسعه پایدار توأم با حفاظت از منابع طبیعی و معادن؛
۷. ترسیم و ارائه راهکارهای انتقال از وضعیت موجود معادن به وضعیت مطلوب آن؛
۸. تلاش برای توانمندسازی محققان و تولید اطلاعات پژوهشی و توسعه مدیریت شبکه ای به منظور ارتقای کمی و کیفی علوم انسانی و صنعتی و پزشکی و توسعه دانش فناوری های نوین با محوریت معادن.

بخش چهارم: بررسی و شناسایی احکام و قواعد فقهی

کتاب، سنت، عقل و اجماع چهار منبع اصلی فقه هستند و از ظرفیت های بسیار بالایی برای وضع مقررات حفاظت از معادن برخوردارند. به طور کلی در دو بخش عام و خاص می توان در این جهت از فقه استعانت جست.

بند اول: مقررات عام

آیات و روایات بسیاری به طور عام، ایجاباً و سلباً احکام معادن را به گونه وجوب، حرمت، استحباب و کراهت، به صورت تکلیفی وضعی بیان می دارند:

• حرمت افساد در زمین

قرآن کریم بارها از فساد کردن در زمین نهی کرده است، از جمله:

لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ (بقره: ۲۰۵)؛ و در روی زمین بعد از آنکه اصلاح شده است، فساد نکنید! این برای شما بهتر است اگر با ایمان هستید!

وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵۴۱)؛ [نشانه آن، این است که] هنگامی که روی برمی گردانند [و از نزد تو خارج می شوند]، در راه فساد در زمین کوشش می کنند و زراعت ها و چهارپایان را نابود می سازند [با اینکه می دانند] خدا فساد را دوست نمی دارد.

از این آیات استفاده می شود که مراد از فساد و افساد، فساد تکوینی نیست؛ چون در پاره ای از فسادها دست کسی دخالت ندارد. عالم کون و فساد و نشئه تنازع در بقا منظور نیست، بلکه مراد از این فساد، فسادهای تشریعی است؛ فسادی که به دست بشر پدید می آید (حائری یزدی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۴۱). همان گونه که (وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ) نیز در مقام بیان یکی از مصادیق افساد در زمین است که عبارت از نابود کردن نوع نبات و نسل موجودات عالم است و چون مطلق آمده، می توان گفت شامل همه نسل های موجودات، حیوانات و گیاهان و جنگل ها و مزارع است و در نوع



انسانی اطلاق ندارد. بنابر این می توان گفت از بین بردن هر نوع حرث و نسل اعم از حیوانی و گیاهی و نباتی جزء مصادیق این آیه است و افساد محسوب می شود و می توان حکم حرمت فقهی برای آن صادر کرد. چنان طوری که با استناد به کلام (إِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ الْفُسَادَ) چنین فسادی مبعوض خداوند است، بیان چنین حکمی آسان می نماید و می توان نتیجه گرفت که افساد در زمین مطلقاً حرام است (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۱).

• وجوب حفظ توازن در طبیعت

این حقیقت در برخی از آیات یادآوری شده است:

قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (طلاق: ۳)؛ خدا برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است!

وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعِيشَ وَمَنْ لَكُمْ بِهِ بَرَازِقِينَ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ (حجر: ۲۱-۱۹)؛ و زمین را گسترديم و در آن کوه های ثابتی افکندیم و از هر گیاه موزون، در آن رویاندیم و برای شما انواع وسایل زندگی در آن قرار دادیم، همچنین برای کسانی که شما نمی توانید به آنها روزی دهید! و خزائن همه چیز، تنها نزد ماست ولی ما جز به اندازه معین آن را نازل نمی کنیم!

براساس این آیات، اراده خداوند بر حفظ توازن و هماهنگی در نظام خلقت بوده و به همین دلیل خداوند نیز از انسان خواسته است تا توازن را پاس بدارد و آن را با عملکردش به هم نزند. از آنجا که اراده تکوینی با اراده تشریعی خداوند هماهنگ است، می توان استنباط کرد هر رفتاری که موجب بر هم زدن طبیعت باشد عدم هماهنگی بین اراده تکوینی و تشریعی را به همراه دارد. لذا به موجب این ناهماهنگی می توان حکم فقهی مصادیق آن را در قالب حرمت و کراهت بیان داشت.

• قاعده لاضرر

گرچه درباره قاعده (لاضرر) سخن بسیار رفته و احتمال های گوناگونی مطرح شده، هریک از آنها معنای اصلی قاعده را که بر عدم مشروعیت ضرر و اضرار در اسلام دلالت می کند، وسعت می



بخشد. این قاعده که در مسئله حفاظت از معادن و جلوگیری از تخریب آن کاربرد دارد، مبنای فقهی استواری برای قانون گذاری و اجرای قانون به شمار می رود. و بنابر آن هرگونه تصرف و تغییر در جامعه انسانی و طبیعت که موجب تضییع حقوق دیگران شود از نظر اسلام ممنوع و مردود است. بسیاری از مسائل زیست محیطی را می توان در قالب قاعده (لاضرر) بررسی کرد، مانند:

- بیرون ریختن زباله ها به خصوص زباله هایی که تجزیه نمی پذیرند؛

- بهره برداری غیر مجاز از جنگل ها و حریم دریاها که در جریان سیل و دیگر مشکلات زیست محیطی تأثیری بسزا دارد؛

- اشغال خیابان و پیاده رو توسط مغازه داران، فروشندگان و دیگران؛

- استفاده از خودروهای دودزا و کارخانه های غیر استاندارد؛

- ایجاد آلودگی صوتی به وسیله مجالس جشن و عروسی، بوق زدن های بی جای اتومبیل ها، سروصدای غیر طبیعی، حتی صدای بلندگوی مساجد و هیئت های مذهبی (جوادی آملی، ۱۳۸۰، صص ۱۵۹-۱۵۸).

• قاعده عدالت

عدالت ناموس بزرگ الهی است و مدار آفرینش نظام تکوین و پیدایی نظام تشریع بوده است. در قرآن آمده است:

وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ (رحمن: ۷)؛ و آسمان را برافراشت و میزان و قانون (در آن) گذاشت تا در میزان طغیان نکنید (و از مسیر عدالت منحرف نشوید) و وزن را بر اساس عدل برپا دارید و میزان را کم نگذارید!

پیامبر اکرم (ص) در ذیل این آیه، فرمود: بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ (انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۱۴۵)؛ استواری آسمانها و زمین به عدل و داد است.



عدل در نظام هستی به معنای قرار گرفتن هر چیز در جایگاه مناسب خود است و عدالت آن است که حق هر موجودی، چنان که شایسته اوست، ادا شود؛ (اعطاءً کلّ ذی حقّ حقّه) و رکن رکن عالم هستی به شمار می آید. لذا به منظور حفظ این رکن، خداوند متعال انسان را به برپایی عدالت سفارش می کند و پیامبران خود را نیز به همین منظور برای انسان ها فرستاده است. عدالت اقتضا می کند که تصرفات انسان در محیط اطراف خود تصرفات ظالمانه نباشد و حقوق امت های آینده را در نظر بگیرد. چنان که حقوق سایر هم نوعان خود را در تمام اطراف عالم در نظر داشته باشد (حسینی عاملی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۵۸).

نکته اول: طبق آیات و روایات بر هر فردی واجب است در رفتار و منش خود اصل عدل و انصاف را رعایت کند و برای رسیدن به قله های عدالت، انصاف در بهره مندی از طبیعت خدادادی طرف انصاف را بگیرد و همان گونه با محیط اطراف خود و نعمت های الهی برخورد کند که دوست دارد آن گونه با او رفتار شود؛

نکته دوم: همان طور که احکام دین اسلام جهانی و جاودانه بوده، شامل انسان هایی که هنوز پا به عرصه وجود نگذاشته اند نیز می شود. برخورداری از مواهب طبیعی نیز به یک نسل اختصاص ندارد، یعنی افزون بر عدالت درون نسلی، عدالت بین نسلی نیز جایگاه خود را دارد. بر این اساس، هر گونه استفاده ای از منابع طبیعی که به نابودی آنها بینجامد یا سبب آلوده سازی معادن شود و زندگی را برای دیگر انسان ها مشکل سازد، به دور از عدالت و مخالف انصاف است و از نظر منطق اسلامی ممنوع و ضمان آور است.

● قاعده (من له الغنم)

بنابر روایاتی که در باب رهن رسیده، قاعده (من له الغنم فله الغرم) استفاده می شود. همچنین روایت نبوی مشهور (الخراج بالضمّان) (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ص ۱۴۱) بر آن دلالت دارد (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۴۱). طبق این قاعده هر که از چیزی فایده می برد باید جبران خسارات آن را بر عهده گیرد.

بر اساس این اصل، هر فردی که از فعالیتی بهره مند می شود، باید خسارت های ناشی از آن را نیز بپذیرد. بنابراین از آنجا که بهره برداران از معادن، از جمله احداث کنندگان تأسیسات و کارخانه ها که به نوعی با بهره مندی از منابع طبیعی به تولید محصولات می پردازند، مشمول این حکم از ضمانت شرعی هستند، مکلف به جبران مافات می شوند و برای جبران ضرورت دارد که حکومت اسلامی قوانینی برای این ضمان ها وضع و با ابزار حکومتی رفتار کند. فقیهان نیز باید با شناسایی موضوع حکم ضمان چنین افرادی را بیان کنند.

• تضایف حق و تکلیف

مقصود از حق در اینجا حق در برابر تکلیف است؛ چیزی که به نفع فرد و بر عهده دیگران است و تکلیف، چیزی است که بر عهده فرد است و به نفع دیگران. به بیان دیگر، حق برای فرد حق گزار و حق طلب و تکلیف برای فرد مکلف است. درباره مسئله حق و تکلیف، دانشمندان اسلامی مباحث بسیاری درافکنده اند و آثاری مستقل و ارزشمند را به آن اختصاص داده اند. علامه در قواعد (کتاب النکاح)، محقق قمی در جامع الشتات (کتاب الطلاق)، صاحب جواهر در کتاب النکاح، شیخ انصاری در کتاب البیع به آن پرداخته اند و نیز شیخ هادی تهرانی (۱۲۵۳-۱۳۲۱ ق)، سید محمد آل بحر العلوم (۱۲۶۱-۱۳۲۶ ق)، میر محمد تقی مدرس اصفهانی (۱۲۷۶-۱۳۳۳ ق) و شیخ محمد حسین غروی اصفهانی (متوفای ۱۳۶۱ ق) رساله مستقلی در این زمینه به یادگار گذاشته اند (حلی، ۱۴۲۰ ق، صص ۱۴۱-۱۲۹).

طبق این اصل حق و تکلیف به منزله دو روی یک سکه اند، به گونه ای که هر کجا فقه حقوقی را برای کسی تعریف می کند، در کنار آن تکلیف و بایسته هایی را نیز تبیین کرده است. به عبارت دیگر، حق بدون تکلیف فرض پذیر نیست و وجود تکلیف نیز بدون وجود حق تصور نمی پذیرد. با توجه به این اصل که خداوند طبیعت و معادن را برای انسان آفریده و انسان حق تصرف و استفاده از آن را داده، این حق برای همه انسان ها و در همه زمان ها وجود دارد. خداوند متعال این اصل مسلم را در قرآن کریم تصریح نموده است:



هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا (بقره: ۲۹)؛ او خدایی است که همه آنچه را [از نعمت ها] در زمین وجود دارد، برای شما آفرید.

وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنْعَامِ (رحمن: ۱۰)؛ زمین را برای خلاق آفرید.

بر مبنای این آیه، زمین و معادن حق همگانی است و همه حق دارند از آن بهره مند شوند. بنابراین استفاده از این حق باید به گونه ای باشد که امکان استفاده و بهره برداری از آن برای نسل حاضر و نسل های آینده حفظ شود (دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۹).

در قرآن کریم، همان طور که حق بهره برداری از معادن و طبیعت برای انسان ذکر شده، مسئولیت و تکلیف عمران و آبادانی زمین نیز بر عهده او گذاشته شده است.

هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا (هود: ۶۱)؛ اوست که شما را از زمین آفرید و آبادی آن را به شما وا گذاشت. بنابر این آیه محافظت، عمران و آباد کردن معادن از وظایف انسان بوده و هر عملی که با آبادانی معادن منافات داشته باشد، ممنوع است. واگذاری عمران و آبادانی زمین بر عهده انسان در این آیه جالب توجه است. پس انسان مسئولیت عمران و آبادانی زمین را بر عهده دارد (شهیدثانی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۶۱)، و مفهوم آیه این است که تخریب معادن و نابودی آن، مخالف عمران و آبادانی است، پس باید از آن پرهیز نمود؛ همان گونه که در آیه ای دیگر به صراحت از فساد در زمین نهی فرموده است:

وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا (اعراف: ۸۵)؛ و بر روی زمین، بعد از آنکه اصلاح شده است، فساد نکنید.

بنابراین انسان ها با وجود اینکه حق استفاده از معادن را دارا هستند، باید این حق را برای دیگران نیز قائل باشند تا مبادا با سوء استفاده از حق خود، حق دیگران را در بهره مندی از معادن سالم پایمال کنند.



چنان که مقام معظم رهبری در این باره می فرمایند: تخریب معادن معلول نابرابری های اجتماعی و استفاده غلط از طبیعت و یکی از عوامل تضییع حقوق انسان هاست.... نگاه اسلام به طبیعت و محیط اعم از جان دار و بی جان عاطفی، اخلاقی، معنوی و هدایت گرانه است و برخورداری از مواهب طبیعی نیز برپایه اصولی متین، عادلانه، حکیمانه، متوازن و سازنده استوار گردیده است. هدف متعالی اسلام برخورداری ساختن همه نسل ها از نعمت های الهی و ایجاد جامعه ای سالم و به دور از فاصله طبقاتی و مستعد برای رشد و شکوفایی است و الزامات شرعی برای حفظ تعادل و توازن در استفاده از مواهب طبیعی با پرهیز از زیاده روی و مقید به عدم اضرار به غیر فراهم آورده است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۳/۲۲).

بند دوم: مقررات خاص

ظرفیت هایی بسیار در آیات و روایات اسلامی درباره مقررات خاص وجود دارد، به گونه ای که می توان از آنها در زمینه های مختلف معادن از جمله آب، هوا، خاک و رشد و نمو حیوانات و نباتات و پایداری نسل ها... موارد بسیار کمک گرفت. در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود:

• آلوده کردن معادن

اسلام انسان ها را در برابر زیستگاه خود مسئول شناخته است. در عبارتی از سخنان امام علی(ع) آمده است:

اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنْ الْبَقَاعِ وَالْبَهَائِمِ (فیض کاشانی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۴۶)؛

بترسید از خدا در مورد بندگان او و سرزمین هایشان، شما در مورد زمین ها و چهارپایان نیز مسئول هستید.

پیامبر اسلام(ص) از آلوده کردن حتی سرزمین مشرکان نیز نهی می فرمود: نهی رسول الله صلی الله علیه وآله أَنْ يَلْقَى السُّمَّ فِي بِلَادِ الْمُشْرِكِينَ (موحدی لنکرانی، ۱۴۲۳ق، ص ۴۶۶)؛



رسول خدا(ص) از آلوده کردن سرزمین مشرکین به سموم نهی فرموده اند.

بنابر این بیان از تخریب و آسیب به معادن مردم و بلاد مختلف اعم از زمین ها و ساختمان ها و چهارپایان نهی شده است و این گونه نهی ها، اطلاق در حرمت دارد، مگر آنکه دلیلی بر کراهت آنها باشد.

در اسلام از آلودن محیط بسیار نهی کرده است. نجس کننده ها از عوامل آلوده کننده، به شمار می روند، که مؤمنان باید از آن بپرهیزند.

روایات از نجس کردن محیط زندگی نهی کرده اند؛ مکان هایی چون اطراف مساجد، کنار رودخانه ها، باغ های میوه و زیر درختان میوه، جلو و اطراف خانه های مردم، گذرگاه ها و ادار کردن داخل آب های جاری و ایستاده (موسوی خمینی، ۱۴۰۶ق، ص ۱۴۱).

• اسراف و تبذیر

در معنای کلی به هر گونه تجاوز از حد و اندازه (اسراف) گفته می شود، اما غالباً این کلمه در خصوص مصرف و هزینه ها به کار می رود. تبذیر نیز به معنای ریخت و پاش است.

خداوند متعال در قرآن کریم بارها از اسراف برحذر داشته است:

وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (انعام: ۱۴۱)؛ و اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست ندارد!

روایات بسیاری نیز، مؤمنان را از اسراف کردن برحذر داشته اند.

ابان بن تغلب در روایتی می گوید روزی امام صادق فرمود:

إِبَانُ بْنُ تَغْلِبٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع)... وَلَكِنَّ الْمَالَ مَالُ اللَّهِ يَضَعُهُ عِنْدَ الرَّجُلِ وَدَائِعُ وَجَوَرٍ لَهُمْ أَنْ يَأْكُلُوا قَصْداً وَيَشْرَبُوا قَصْداً وَيَلْبَسُوا قَصْداً وَيَنْكَحُوا قَصْداً وَيَرْكَبُوا قَصْداً وَيَعُودُوا بِمَا سِوَى ذَلِكَ عَلَى فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَيَلْمَوْا بِهِ شَعَثَهُمْ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ مَا يَأْكُلُ حَلَالاً وَيَشْرَبُ حَلَالاً وَيَرْكَبُ وَيَنْكَحُ



حَلَالًا وَمَنْ عَدَا ذَلِكَ كَانَ عَلَيْهِ حَرَامًا (شهیداول، ۱۴۱۷ق، ص ۱۵۹)؛ اموال همه از آن خداست که در نزد ما انسان ها ودیعه گذاشته شده است و اجازه تصرف در آنها به شرطی به انسان داده شده است که بخورند، بنوشند، بپوشند ازدواج کنند و سوار بر مرکب ها شوند اما مقتصدانه و معتدلانه، و مازاد نیاز را به فقرا دهند، مقداری را نیز برای اصلاح امور زندگی و حل مشکلات ذخیره کنند. بنابراین هرکس چنین کند همه آنچه خورده و نوشیده و سوار شده و ازدواج کرده بر او حلال خواهد بود، در غیر این صورت بر او حرام می شود. در حدیث آمده است پیامبر از راهی عبور می کرد که یکی از یارانش بنام سعد را دید. او مشغول وضو گرفتن بود و آب زیاد می ریخت، حضرت فرمود: چرا اسراف می کنی ای سعد؟ عرض کرد: آیا در آب وضو نیز اسراف است؟ فرمود: نَعَمْ وَإِنْ كُنْتَ عَلَى نَهْرٍ جَارٍ (طوسی، ۱۳۸۷ق، ص ۴۱۴)؛ آری هرچند در کنار نهر جاری باشی.

در روایت آمده است حضرت علی(ع) کودکانی را دیدند که میوه را نیم خورده دور می ریختند. حضرت آنان را بازخواست کرد که:

سُبْحَانَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ اسْتَغْنَيْتُمْ فَإِنَّ النَّاسَ لَمْ يَسْتَعْنُوا أَطْعَمُوهُ مَنْ يَحْتَاجُ إِلَيْهِ (زنجانی، ۱۴۲۱ق، ص ۴۱۴)؛

اگر شما سیر شده اید مردمانی هستند که نیازمندند پس به کسانی که نیاز دارند بدهید.

امام صادق(ع) فرمود: أَدْنَى الْإِسْرَافِ هِرَاقُهُ فَضْلُ الْإِنَاءِ وَابْتِدَالُ ثَوْبِ الصَّوْنِ وَالْقَاءُ النَّوَى (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۶ق، ص ۱۱)؛

کمترین اندازه اسراف عبارت است از دور ریختن آب باقی مانده در ظرف، بخشیدن لباسی که برای پوشش مورد نیاز است و به دور انداختن هسته میوه.



• ضرر رساندن به نفس

قرآن کریم از تضعیف و ضرر رساندن به بدن نهی فرموده است: **وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ** (بقره: ۱۹۵)؛ خود را به دست خود به هلاکت نیفکنید.

از دستورهای مهم اسلام حفظ و حراست از سلامتی بدن است که بدین منظور در زمینه های مختلف، از خوردن، خوابیدن و پوشیدن گرفته تا کار و فعالیت، آداب و برنامه هایی برای انسان آورده که رعایت آنها در رشد و سلامتی و بالندگی جسمی و طول عمر انسان ها و بهره مندی بیشتر از نعمت های خدادادی تأثیر حیاتی دارد و همه اینها وابسته به محیطی سالم و عاری از هرگونه آلودگی است.

• حیوانات

برانگیخته شدن حیوانات در روز قیامت، از جمله مسائلی است که قرآن کریم بدان اشاره کرده است: **وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ** (انعام: ۳۸)؛ هیچ جنبنده ای در زمین و هیچ پرنده ای نیست که با دو بال خود پرواز می کند مگر اینکه امت هایی همانند شما هستند. ما هیچ چیز را در این کتاب فرو گذار نکردیم، سپس همگی به سوی پروردگارشان محشور می گردند.

مرحوم طبرسی درباره آیه پیشین می نویسد: مراد خداوند این است که حیوانات نیز روز قیامت محشور (حلی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۵۵)، می شوند و به حقوق خود می رسند همان طور که در روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: **يُقْتَصَّ لِلْجَمَاءِ مِنَ الْقَرَنَاءِ** (حلی، ۱۴۱۸ق، ص ۷۱)؛ حیوان شاخ دار در مقابل بی شاخ قصاص می شود.

در آموزه های دین، حقوق حیوانات نیز در نظر گرفته شده است. برای مثال هر گاه مصرف آب برای وضو یا غسل سبب شود در پی آن حیوانی از بی آبی تلف شود، آب را به حیوان بدهید و تیمم کنید.



از نظر اسلام حیوانات از حقوقی برخوردارند، خصوصاً حیواناتی که انسان به گونه مستقیم با آنها در ارتباط است. در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) شش حق برای چهارپایان بیان شده است:

لِلدَّابَّةِ عَلَى صَاحِبِهَا خِصَالٌ سِتٌّ يَبْدَأُ بَعْلَفِهَا إِذَا نَزَلَ وَيَعْرِضُ عَلَيْهَا الْمَاءَ إِذَا مَرَّ بِهِ وَلَا يَضْرِبُ وَجْهَهَا فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ بِحَمْدِ رَبِّهَا وَلَا يَقِفُ عَلَى ظَهْرِهَا إِلَّا فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا يُحْمَلُهَا فَوْقَ طَاقَتِهَا وَلَا يُكَلَّفُهَا مِنْ الْمَشْيِ إِلَّا مَا تُطِيقُ (سبحانی، ۱۴۲۰ق، ص ۳۶۹).

- هر کجا وارد شدید اول به فکر خوراک آن باشید؛

- هر گاه به آب رسیدید، آب را به آن عرضه کنید؛

- به صورت حیوان نزنید؛ زیرا حیوان تسبیح خدا می گوید؛

- تنها در راه خدا بر پشت آن سوار شوید؛

- بر پشت حیوان بیش از حد توانش، بار نگذارید؛

- حیوان را به پیمودن مسیرهایی که در حد توانش نیست، وادار نکنید.

موارد یاد شده تنها درباره حیوانات باربر است. در خصوص حیوانات وحشی و اهلی دیگر در روایات معصومان (ع) موارد زیادی از حقوق حیوانات ذکر شده است.

در اسلام از آزار و اذیت مخلوقات الهی به شدت نهی شده تا جایی که برای آزار حیوانات مجازات های اخروی در نظر گرفته شده و انسان ها به بردباری در برابر نافرمانی های حیوانات و آزار ندادن آنها تشویق شده اند. همچنین در برابر اذیت و آزاری که از حیوانات بدان ها می رسد شکیبایی می ورزند، وعده پاداش داده شده است.

پیامبر اکرم (ص) در حدیثی از تحریک حیوانات و به جان هم انداختن آنها نهی فرموده اند: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَنْ تَحْرِيشِ الْبَهَائِمِ (دیلمی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۴۶).



کتاب موسوعه الامام الخوئی روایاتی از امامان(ع) درخصوص ثواب هایی ذکر کرده که خداوند برای نگهداری و حفاظت از حیوانات به بندگان خود عطا می کند و گناہانی را از او می بخشد (موسوی خویی، ۱۴۱۸ق، صص ۶۴-۶۱).

اسلام به جز در موارد خاص اجازه صید و شکار حیوانات را نمی دهد.

صید حیوانات هنگام عبادت حج و نیز در محدوده حرم مکه از محرّمات شمرده شده، برای آن کفاره نیز تعیین شده است.

پیامبر اکرم(ص) فرموده است: مَنْ قَتَلَ عُصْفُورًا عَبَثًا عَجَّ إِلَى اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَقُولُ يَا رَبِّ عَبْدُكَ قَتَلَنِي عَبَثًا وَلَمْ يَنْتَفِعْ لِمَنْفَعَةٍ (موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۴۱)؛ هرکس پرندۀ ای را بی جهت بکشد، پرندۀ روز قیامت به خدا شکایت می کند و می گوید خدایا بنده تو، مرا بیهوده کشت بدون اینکه از من فائده ای ببرد.

• نباتات

آبیاری درختان نیز براساس روایات اسلامی با سیراب کردن انسان تشنه ای برابری می کند. امام صادق(ع) در این زمینه فرموده اند: مَنْ سَقَى طَلْحَةً أَوْ سِدْرَةً فَكَأَنَّمَا سَقَى مُؤْمِنًا مِنْ ظِمَاءِ (موسوی خمینی، ۱۴۰۶ق، ص ۱۴۱)؛ هرکس درخت خرما یا سدر را آب دهد مانند آن است که مؤمن تشنه ای را سیراب کرده باشد.

مسئله مهم دیگری که امروز بیش از همه معادن را به خطر انداخته، قطع درختان و از بین بردن مراتع و جنگل هاست. این عمل از نظر اسلام بسیار زشت و موجب عذاب الهی دانسته شده است. امام صادق(ع) به شدت از بریدن درختان نهی کرده فرموده است: لَا تُقَطِّعُوا الثَّمَارَ فَيَضِبَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ الْعَذَابَ صَبًّا (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۵ق، ص ۱۴۹)؛ هرگز درختان را قطع نکنید که خداوند عذاب شدیدی را بر شما فرود می آورد.



شاید در زمان امام صادق (ع) مردم از شنیدن این گونه گفتارها شگفت زده می شدند و دلیل آن را نمی دانستند، اما امروز که نقش درختان در پالایش هوا، کاهش آلودگی، بازدارندگی سیلاب ها، ایجاد نشاط روحی و بسیاری از فواید دیگر شناخته شده و درمقابل، آثار خطرناک و ویران کننده قطع و کاهش درختان و سرسبزی طبیعت آشکار شده، نقش حیاتی و زیست محیطی تأکید و هشدار امام (ع)، به خوبی روشن می شود. جالب اینکه در سیره و گفتار بزرگان دین مشاهده می شود که علاوه بر مقابله با قطع درختان، در صورت لزوم قطع درختی، خود را به کاشت درختی دیگر به جای آن پایبند می دانستند. بنظری می گوید از امام رضا (ع) در مورد قطع درخت صدر پرسیدم که حضرت فرمود: امام موسی کاظم (ع) وقتی سدری را قطع کردند به جای آن درخت انگور کاشتند (نورمفیدی، ۱۳۹۳، ص ۳۶۹).

نتیجه گیری

با نگاهی گذرا به منابع فقهی پی می بریم که در فقه اسلامی ظرفیت های بسیاری برای قانون گذاری و اجرای قوانین معادن وجود دارد که می توان با بهره برداری از این ظرفیت ها به پی ریزی قوانین اجتماعی براساس احکام اسلامی یاری رساند. همچنین، باید مکلفان با عنایت به احکام شریعت اسلامی خود را در معرض تکلیف حفاظت از معادن و اجتناب از تخریب آن ببینند. افزون بر این براساس فقه اسلامی اگر فعالیت بخش دولتی و خصوصی در دریا، هوا، خاک و زمین موجب ایجاد عارضه و آسیب زیست محیطی گردد، آسیب رسان ضامن است و باید از عهده جبران خسارت های رسیده برآید و اگر این فعالیت به دولت و یا سازمان های دولتی به دلیل کوتاهی در نظارت و یا به دلیل سوء مدیریت و یا ضعف برنامه ریزی قابل انتقال باشد، از نظر فقهی مسئولیت به صورت تضامنی و یا به صورت جداگانه قابل طرح و پیگیری است و اساساً ضمانت درباره پدیدآورنده ایجاد عارضه است و هر کسی در این زمینه کوتاهی کرده باشد، خلافکار محسوب می شود و شرعاً ضامن است.



منابع و مآخذ

- [۱]. قرآن کریم.
- [۲]. اراکی، محسن (۱۴۳۴). *ملکیۃ المعادن فی فقه الاسلامی*. قم، مجمع الفکر الاسلامی.
- [۳]. اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳). *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان*. جلد چهارم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۴]. اشتهااردی، علی پناه (۱۴۱۷). *مدارک العروة*. جلد بیست و سوم، تهران، دار الأسوة للطباعة و النشر.
- [۵]. انصاری، مرتضی بن محمد (شیخ انصاری) (۱۴۱۵). *کتاب الخمس*. قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- [۶]. جواد آملی، عبدالله (۱۳۸۰). «مالکیت معادن ملی». *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، قم، دوره ۱، شماره ۳، پاییز، صفحه ۴۷-۵۳.
- [۷]. حائری یزدی، مرتضی بن عبد الکریم (۱۴۱۸). *کتاب الخمس*. قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۸]. حسینی عاملی، سید جواد بن محمد (۱۴۱۹). *مفتاح الکرامۃ فی شرح قواعد العلامۃ* (ط - الحديثه). جلد نوزدهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۹]. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه*. جلد نهم و بیست و پنجم، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- [۱۰]. حلی، احمد بن محمد (ابن فهد) (۱۴۰۷). *المهذب البارع فی شرح المختصر النافع*. جلد اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.



- [۱۱]. حلی، جعفر بن حسن (محقق حلی) (۱۴۰۸). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. چاپ ششم، جلد دوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
- [۱۲]. ——— (۱۴۱۸). المختصر النافع فی فقه الإمامیة. چاپ ششم، جلد اول، قم، مؤسسه المطبوعات الدینیة.
- [۱۳]. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (علامه حلی) (۱۴۲۰). تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة (ط - الحدیث). جلد چهارم، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- [۱۴]. ——— (؟). تذکره الفقهاء (ط - القدیمة). جلد پنجم، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- [۱۵]. ——— (۱۴۱۳). قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام. جلد دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۱۶]. ——— (۱۴۱۳). مختلف الشیعة فی أحکام الشریعة. چاپ دوم، جلد سوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۱۷]. ——— (۱۴۱۲). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب. جلد هشتم، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیة.
- [۱۸]. حلی، محمد بن منصور بن احمد (ابن ادریس) (۱۴۱۰). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. جلد اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۱۹]. دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی (۱۳۸۶). خمس چالش ها و راهکارها. چاپ دوم، قم، موسسه بوستان کتاب.
- [۲۰]. دیلمی، حمزه بن عبد العزیز (سلار) (۱۴۰۴). المراسم العلویة و الأحکام النبویة. قم، منشورات الحرمین.



- [۲۱]. زنجانی، عباس علی عمید (۱۴۲۱). فقه سیاسی. چاپ چهارم، جلد سوم، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- [۲۲]. سبحانی، جعفر (۱۴۲۰). الخمس فی الشریعة الاسلامیة الغراء. قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- [۲۳]. سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن (۹). کفایة الأحکام. جلد دوم، اصفهان، انتشارات مهدوی.
- [۲۴]. صدر، سید محمد باقر (۱۴۱۷). اقتصادنا. قم، دفتر تبلیغات اسلامی - شعبه خراسان.
- [۲۵]. طباطبایی حکیم، سید محسن (۱۴۱۶). مستمسک العروة الوثقی. جلد نهم، قم، مؤسسه دار التفسیر.
- [۲۶]. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۰۹). العروة الوثقی. چاپ دوم، جلد دوم، بیروت، مؤسسه الأعلمی.
- [۲۷]. طرابلسی، عبد العزیز (ابن براج) (۱۴۰۶). المذهب. جلد اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۲۸]. طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی) (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الإمامیة. چاپ سوم، جلد سوم، تهران، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
- [۲۹]. — (۱۴۰۰). النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی. چاپ دوم، بیروت، دار الكتاب العربی.
- [۳۰]. عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی) (۱۴۱۰). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (ط - الحدیثة). جلد دوم، قم، کتابفروشی داوری.
- [۳۱]. — (۱۴۱۳). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام. جلد دوازدهم، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة.



- [۳۲]. عاملی، محمد بن مکی (شهید اول) (۱۴۱۷). الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة. چاپ دوم، جلد اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۳۳]. _____ (۱۴۱۰). اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة. بیروت، دار التراث - الدار الإسلامیة.
- [۳۴]. عکبری بغدادی، محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید) (۱۴۱۳). المقنعة. قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید - رحمه الله علیه.
- [۳۵]. فاضل آبی، حسن بن ابی طالب (۱۴۱۷). کشف الرموز فی شرح مختصر النافع. چاپ سوم، جلد اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۳۶]. فیاضی، محمدرضا (۱۳۹۲). بررسی فقهی مالکیت مردم بر ثروت‌های عمومی. تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- [۳۷]. فیض کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی (۱۴۰۹ق). مفاتیح الشرائع. جلد سوم، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی (ره).
- [۳۸]. کابلی، محمد اسحاق قیاض (۱۴۰۱). الأراضی - مجموعه دراسات و بحوث فقهیة إسلامیة. قم، دار الکتاب.
- [۳۹]. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی (ط - الإسلامیة). چاپ چهارم، جلد اول، تهران، دار الکتاب الإسلامیة.
- [۴۰]. منتظری، حسین علی (۱۴۰۹). دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامیة. چاپ چهارم، جلد چهارم، قم، نشر تفکر.
- [۴۱]. موحدی لنگرانی، محمد فاضل (۱۴۲۳). تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - الخمس و الأنفال. قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.



[۴۲]. موسوی خلخالی، سید محمد مهدی (۱۴۲۷). فقه الشیعۀ - کتاب الخمس و الأنفال. جلد سوم، قم، دار البشیر.

[۴۳]. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۰۶ق). تحریر الوسیله. جلد یک، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم، ص ۳۵۳.

[۴۴]. _____ (۱۳۶۹)، صحیفه نور، تهران، انتشارات سروش.

[۴۵]. موسوی خویی، سید ابو القاسم (۱۴۱۸). موسوعه الإمام الخوئی. جلد بیست و پنجم، قم، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی.